تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳
صفحه ۲۴-۱
نوع مقاله: پژوهشی

بازتاب معنادار شعر فارسی بر فرش دست‌بافت ایران

سیده اکرم اولیائی طبائی (نویسنده‌ی مسئول)
دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان
oliyaei@shirazartu.ac.ir
امیرحسین چیت‌سازیان
دانشیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۱

چکیده

شعر فارسی و فرش دست‌بافت، دو واژه‌ی تأثیرگذار در شکل‌گیری فرهنگ‌ایرانی از گذشته‌های دور بودند و تعامل و ارتباط این دو به نحوی بوده‌که ضمن ارزش‌آفرینی بیشتر برای یکدیگر، تاکنون موجب غنی‌تر شدن فرهنگ ایرانی نیز شده‌اند. ارتباط و تعامل بین شعر فارسی با فرش دست‌بافت ایران به شکل‌های مختلفی وجود داشته و آگاهی و شناخت نسبت به این تعاملات از ضروریات تحقیق پیش‌رو است. هدف اصلی از انجام آن نیز، تحلیل محتوی و مضمون اشعار متنوع بافته شده در فرش‌ها است که می‌تواند به نوعی به دسته‌بندی تعامل انواع شعر با طرح یا نقش فرش، کارکرد یا کاربرد فرش، وحتی ارتباط سبک و دوره‌ی زمانی که اشعار سروده شده و در فرش بافته شده‌اند، تقسیم شود. این تحقیق از حیث هدف توسعه‌ای و از لحاظ رویکرد از نوع کیفی و توصیفی است و روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. جامعه‌ی آماری فرش‌های دست‌بافت ایرانی موجود بعد از دوره‌ی صفوی تا عصر حاضر که در آن‌ها اشعار فارسی بافته شده‌اند را دربر می‌گیرد و تعداد نمونه‌ها نیز حدود۳۰ عدد از فرش‌های موجود در مجموعه‌های شخصی و موزه‌ها را شامل می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بعد از اسلام و رواج مذهب تشیع در دوره‌ی صفوی، اشعار نیز به‌عنوان بخشی از طرح و نقش فرش که گاه توسط شاعران بزرگ و گاهی توسط مردمی عادی و شاعران گمنام سروده می‌شدند؛ در فرش‌ها نیز بافته شدند. به گونه‌ای که تلاش می‌شد تا اشعار و نقوش فرش با یکدیگر همخوانی داشته باشند و گاهی نیز این ابیات بسته به‌کاربری فرش در فضای مورد استفاده، انتخاب می‌شدند. ضمن این‌که از دوره‌ی صفوی به بعد توجه شعرا به قالب شعری غزل و مثنوی نیز بیشتر شد و این‌گونه ابیات با تصاویر مرتبط در فرش‌ها بافته شدند.

واژه‌های کلیدی: فرش دست‌بافت، شعر در فرش، شعر فارسی.

The meaningful reflection of Persian poetry on Iranian handmade carpets

Seyedeh Akram Oliyaei Tabaei (Corresponding Author)
PhD student of Islamic Arts, Faculty of Architecture and Art, Kashan University
oliyaei@shirazartu.ac.ir
Amirhossein chitsazian
Associate Professor, University of Kashan, Kashan, Iran

Abstract

Persian poetry and hand-woven carpet were two influential words in the formation of Iranian culture from the distant past and And the interaction and communication of these two have been in such a way that while creating more value for each other, they have also enriched the Iranian culture so far. The connection and interaction between Persian poetry and Iranian hand-woven carpets have existed in various ways, and awareness and understanding of these interactions is one of the necessities of this research.

and The main purpose of doing it is to analyze the content and theme of the various poems woven in the carpets which can somehow be divided into the categories of the interaction of the types of poetry with the design or pattern of the carpet, the function or application of the carpet, and even the relationship between the style and the time period when the poems were written and woven into the carpet. This research is developmental in terms of its purpose and qualitative and descriptive in terms of approach, and the method of data collection is library and field.

The statistical community includes Iranian hand-woven carpets available after the Safavid period until the present era, in which Persian poems are woven, and the number of samples includes about 30 carpets in private collections and museums.

The findings show that after Islam and the spread of Shiism in the Safavid era, poems were also woven into the carpet as a part of the design and pattern of the carpet,sometimes by great poets and sometimes by ordinary people and anonymous poets.Meanwhile, from the Safavid period onwards, poets' attention to the poetic forms of ghazal and masnavi increased, and such verses were woven into carpets with related images

Key words: Handwoven carpet, poetry in carpet, Persian poetry.

مقدمه

اشعار فارسی دربرگیرنده‌ی مضامینی هستند که یا شامل امور معنوی همچون مدح و ثنای پروردگار، پیامبر و امامان هستند و یا شامل امور دنیوی همچون مسائل سیاسی، اجتماعی، دینی، امور روزمره، عاشقانه و عارفانه و ... هستند. فرش دست‌بافت ایران نیز همان‌طور که می‌دانیم قدمتی نسبتاً طولانی با بیش از ۲۵۰۰ سال داشته و در طول زمان، دستخوش تغییرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مختلفی قرار گرفته است. یکی از تأثیرات فرهنگی، عقیدتی و اجتماعی منعکس شده در فرش دست‌بافت ایران، بافت ابیات و اشعار گوناگون در آن است و انتخاب این اشعار اغلب براساس مقتضیات زمان، مکان، سفارش‌دهنده و گاهی حس وحال بافنده تعیین می‌شد. بنابراین هدف اصلی از انجام این تحقیق، تحلیل محتوی و مضمون انواع شعر بافته شده در فرش‌ها است که می‌تواند به نوعی به دسته‌بندی ارتباط انواع شعر با طرح یا نقش فرش، کارکرد یا کاربرد فرش، وحتی ارتباط سبک و دوره‌ی زمانی که اشعار، سروده شده و در فرش بافته شده اند، تقسیم شود.

بنابراین اهداف تحقیق شامل موارد زیر است:

۱) کاوش در محتوای اشعاری که در فرش دست‌بافت ایران بافته شده‌اند.

۲) شناسایی و معرفی رابطه‌ی شعر بافته شده با طرح و نقش فرش موردنظر.

این مقاله از حیث هدف توسعه‌ای و از لحاظ رویکرد کیفی و توصیفی بوده و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. جامعه‌ی آماری فرش‌های دست‌بافت ایرانی به‌ویژه بعد از دوره‌ی صفوی را تا زمان‌حال شامل می‌شود که در آن‌ها اشعار فارسی بافته شده‌اند و تعداد نمونه نیز حدود۳۰ عدد از فرش‌های موجود در مجموعه‌های شخصی و موزه‌ها را از دوره‌ی صفوی به بعد دربر می‌گیرد که به شیوه‌ی انتخابی هدفمند مشخص شده‌اند.

پیشینه‌ی تحقیق

کتب و مقالات مختلفی به‌صورت پراکنده به اهمیت و زیبایی شعر و فرش و تعامل این دو با هم پرداخته‌اند که از آن میان به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

آرتور پوپ (۱۳۸۷) در کتاب«سیری در هنر ایران»، معتقد است که بافت اشعار در داخل فرش، گاهی تأثیرپذیری کل اثر را بر مخاطب افزایش می‌دهد. ضمن این‌که این‌کار می‌تواند نمایانگر ذوق ادبی طراحان فرش نیز باشد. خشکنابی (۱۳۷۵) در بخش اول از کتاب «ادب و عرفان در قالی ایران»، در وصف فرش در قالب شعر ابیاتی سروده و در ادامه به فرش‌هایی اشاره می‌کند که در آن‌ها ابیاتی در ستایش حضرت سلیمان و یا پیامبر اسلام (ص)، بافته شده‌است. همین‌طور رضوان احمدی‌پیام (۱۳۹٤)، در مقاله‌ی «انعکاس ادبیات منظوم فارسی در فرش‌های موزه آستان قدس رضوی»، می‌گوید: پیشینه‌ی غنی استفاده از ادبیات منظوم به‌ویژه فرش‌بافی از دوره‌ی صفوکیه باب شد و بدین ترتیب اشعار ادیبان و شاعران در حاشیه‌ی فرش‌ها نقش بست. نازیلا دریایی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ی« قالی‌های ایرانی و اسلامی غیر ایرانی»، به کاربرد خوشنویسی در گونه‌ای از فرش‌های دوره‌ی صفوی اشاره کرده و می‌گوید که در آن دوره برای قالی‌هایی که مصرف عام‌تر داشتند از اشعار فارسی و برای فرش‌هایی که کاربرد مذهبی داشتند از آیات قرآنی در کتیبه‌ها کار می‌شده است. تمیم‌داری (۱۳۹۰) در کتاب «عرفان و ادب در اثر صفوی»، از دو شاعر به عنوان دو مرجع بزرگ ادبی در این دوره که مورد توجه شعرا بودند و در شعر این دوره تأثیر زیادی داشتند؛ یاد می‌کند و می‌گوید که شعرا و داستان‌سرایان این عهد منظومه‌های داستانی خود را برپایه‌ی خمسه‌ی نظامی و هفت اورنگ جامی، ترتیب می‌دادند و علاقه به این منظومه‌ها به‌قدری بود

که برخی از آن اشعار در قالیچه‌ها نیز بافته شد. حشمتی رضوی (۱۳۸۱) در مقاله‌ی«شعرگونه‌های بافت فرش»، شعر و فرش را دارای ریشه‌ای کهن در فرهنگ ایران معرفی کرده که هر دو از عواملی شبیه به هم دربیان زیبایی استفاده کرده‌اند که در فرش شامل، ریتم نگاره‌ها و نقش‌مایه‌ها و در شعر، ضرباهنگ کلمات و موسیقی کلام است. علاوه بر این در کتاب «نغمه‌های فرش فارس» (۱۳۸۸) زمزمه‌های زنان صاحب‌دل دیار فارس به هنگام قالی‌بافی توسط سازمان بازرگانی فارس جمع‌آوری و هرچند به‌صورت محدود، سعی در حفظ و ضبط این اشعار و ضرب المثل‌ها در غالب کتاب شده‌اند.

اما آنچه در این مقاله ما به‌دنبال آن هستیم، تحلیل محتوی و مضمون انواع شعر بافته شده در فرش است که می‌تواند به نوعی به دسته‌بندی تعامل انواع شعر با طرح یا نقش فرش، کارکرد یا کاربرد فرش، و حتی ارتباط سبک و دوره‌ی زمانی که اشعار سروده شده و در فرش بافته شده‌اند، تقسیم شود.

شعر در فرش دست‌بافت

همان‌گونه که می‌دانیم، فرش و شعر دارای ریشه‌هایی کهن در فرهنگ ایران هستند و آن‌طور که در منابع ذکر شده، پیشینه‌ی غنی و فاخر استفاده از ادبیات منظوم و منثور در فرش به عصر صفوی می‌رسد که به‌گونه‌ای مؤلفه‌های ملی و فرهنگی اصیل ایرانی در آن‌ها به نمایش درآمده‌است (احمدی‌پیام ۱۳۹٤: ۲۸۳). اما با توجه به این‌که نمونه‌ی قابل ملاحظه‌ای از فرش دوران پیش از صفوی موجود نیست که بتوان این نظریه را تأیید کرد، همچنان این احتمال وجود دارد که ممکن است استفاده از شعر در بافته‌های قبل‌تر از صفوی نیز آمده باشدکه توانسته با چنین کیفیتی در دوره‌ی صفوی شکوفا شود؛ اما در این تحقیق جامعه‌ی آماری را براساس شواهد موجود و از دوره‌ی صفوی به بعد بررسی خواهیم نمود.

همچنین خلاف نظریه‌ی برخی از شرق‌شناسان درخصوص افول ادبیات و شعر در دوره‌ی صفوی، میرزا محمدطاهر نصرآبادی در تذکره‌ی خود که شامل شرح حال نزدیک به هزار شاعر عصر صفوی است، شرح‌حال مختصر و پاره‌ای از اشعار ٦٤ نفر از بزرگان و رجال عهد صفوی را آورده که در قالب غزل، رباعی، قطعه و مثنوی آثاری خلق نموده‌اند و در این مورد می‌توان به افرادی چون میرفندرسکی، شیخ بهایی، ملاصدرا و میرداماد اشاره کرد. در دوره‌ی حکومت صفوی عرفان و حکمت با دین آمیخته شدند و دستگاه‌های بزرگ فکری و عرفانی علمی و درسی ایجاد شد. اندیشه پیچیده و گسترده شد و در انواع هنر از جمله نقاشی، خطاطی، معماری، کاشی‌کاری، قالی‌بافی و ... دگرگونی‌های بزرگی صورت پذیرفت. به همین شکل زبان و ادبیات هم متحول شدند و نویسندگان و گویندگان این عصر در استفاده از انواع استعاره، مجاز و تشبیهات در شعر و نثر چیره‌دست شدند.

بنابراین با مطالعه‌ی آثار صفوی مشخص می‌شود که سبک شعری ایشان هم دنباله‌رو آثار پیشینیان بوده‌است و هم تشبیهات، ترکیبات، مجاز و استعارات و کنایات پیچیده و دقیق در اشعار شاعران دوره‌ی صفویه، شیوه‌ی جدیدی از سخن را ایجاد کرد که در زمان خود جالب بوده‌است. اما در این دوره شعر مدحی محکوم شد و از دربار پادشاهان رانده شده و به سوی توده‌ی مردم راه یافت. به‌این ترتیب اشعار متوسطی در میان مردم سروده شد که شاعرانش از طبقه‌ی محروم برخاسته بودند و ارزش معنوی این اشعار به مراتب بیشتر از اشعاری بود که از نظر هنری در اوج بوده منتهی در مدح فلان پادشاه سروده شده باشد[1] (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۱۰۷– ۹٦). در این دوره در هر دیوان شعری، از صفات توحید، ستایش رسول و مدح پیشوایان شیعه، به صورتی زیبا اشعاری سروده شده است. شاعر، چه شاعر و عارف واقعی باشد و چه حتی تظاهر به عاشق بودن کند، اما با اشعار خویش نشان

می‌دهد که در اندوه فراق معشوق می‌سوزد. عرفان که همیشه از قرن ۵ هجری مقوم شعر و هنر بوده‌است نیز یکی از منابع شکل‌دهنده به فرهنگ ایران است. در واقع زبان عرفان با زبان فارسی پیوند خورد و زبان فارسی با مفاهیم عرفانی بسیط شد و پایگاه شعر شد. پس درپی شکل‌گیری عرفان نظری و شکل‌گیری اولین اثر به زبان فارسی در مورد عشق توسط احمد غزالی در قرن ۵ هجری، و با بررسی واژگان (یحبهم و یحبونهم) و بیان عشق خداوند به بندگانش، سبک شعری غزل در ادبیات شکل‌گرفت (فهیمی‌فر، مصاحبه‌ی شخصی،۱٤۰۳).

در دوره‌ی صفوی شعرای بزرگ به دنبال راهی بودند که هم ارتباط خود را با سنن گذشته حفظ کنند و هم شیوه‌ای جدید و تازه خلق نمایند. بنابراین با پرداختن به غزل‌سرایی، مضمون‌های دقیق و تخیل شاعرانه را با الفاظ سبک و سنگین به هم آمیخته و از انواع ادبی نیز بهره بردند و لغز ، معما، چیستان، حکمت، عرفان و عشق را وجه همت خویش قراردادند. در این زمان شاعران همچنین به نظم منظومه‌های داستانی پرداختند و برای این امر از قالب مثنوی بهره گرفتند. منظومه‌های عشقی، اخلاقی و عرفانی در این دوره زیاد سروده شده‌است. شعرای عهد صفوی بدون استثناء غزل‌سرا بودند و کمتر غزلی را در این دوره می‌توان یافت که در آن نکته‌ای عرفانی نباشد. اما دو شاعر به‌عنوان دو مرجع بزرگ ادبی در این دوره مورد توجه شعرا بودند و در شعر این دوره تأثیر زیادی داشتند؛ به‌طوری که شعرا و داستان‌سرایان این عهد منظومه‌های داستانی خود را بر پایه‌ی خمسه‌ی نظامی و هفت‌اورنگ جامی، ترتیب می‌دادند (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۱۲٤– ۱۰۹).

در دوره‌ی صفوی علاوه بر ثبت در کتب، حاشیه‌ی نگارگری‌ها، اماکن و معماری‌ها، یکی دیگر از فضاهایی که این اشعار در آن خودنمایی می‌کرد، روی فرش بود و در این زمان مذهب شیعه در ایران رسمیت پیدا کرد و بازتاب کتیبه با مضامین گوناگون اعم از مفاهیم اسلامی، عرفانی، ادبی، اسطوره و دعا، مناجات‌نامه و زیارت‌نامه، به صورت شعر یا قالب‌های شعری و حتی نثر همچون اشعار با تصاویری از داستان‌های عاشقانه‌ی لیلی و مجنون و بهرام و کنیزک نیز درمتن قالی و قالیچه‌های دست‌بافت بافته شدند (افروغ و براتی، ۱۳۹۲: ۱۳٦). بدین ترتیب اشعار ادیبان و شاعران با قرارگیری در متن یا حاشیه این فرش‌ها گاهی تأثیرپذیری کل اثر را بر مخاطبان گوناگون افزون می‌ساختند. البته احتمال داشته که طراحان این قالی‌ها قصد داشتند با ثبت اشعار خود و یا دوره‌ی خود در داخل نقش‌مایه‌ها، محصول ذوق ادبی خویش را نیز جاودانه سازند (پوپ، ۱۳۸۷: ۲٦٦۹). اشعار بافته شده در این قالی‌ها اغلب شامل مثنوی، غزل، دوبیتی و قصیده بوده و بیشتر به مدح و ثنای پیامبر و ائمه‌ی اطهار می‌پرداختند. یک نمونه از این قالی‌ها که اغلب مزین به کتیبه‌هایی از اشعار در حاشیه و متن خود بود را می‌توان در قالی مقصودکاشانی موجود در موزه‌ی ویکتوریا و آلبرت لندن دید که در کادر مستطیلی بالای متن قالی و چسبیده به حاشیه‌ی آن این بیت از شعر حافظ و مطلب زیر آن آمده‌است.

در این دوره حافظ نیز همچنین از شاعران مورد علاقه‌ی بافندگان قالی بوده که از سروده‌های او در متن یا حاشیه‌ی قالی استفاده شده‌است (احمدی‌پیام، ۱۳۹٤: ۲۸۵).

بیت زیر از حافظ شیرازی با مشخصاتی از فرش در صدر دو قالی که یکی در لندن و دیگری در موزه‌ی لاگمای امریکا قرار دارد، بافته شده‌است.

جز آستان تو ام در جهان پناهی نیست　　سر مرا به جز این در حواله گاهی نیست

عمل بنده درگاه مقصود کاشانی، سنه‌ی ۹٤٦ ه ق (۹۰٤ ه ش) (چیت‌سازیان، ۱٤۰۰: ۲۸).

شکل ۱- کتیبه‌ی شعرحافظ بافته شده در کادر بالای قالی مقصود کاشانی (smarthistory.org/the-ardabil-carpet)

در قالی‌های کتیبه‌ای موجود، اشعار حافظ در چند مورد قابل احراز هویت است، در حالی که در بیشتر موارد به نظر می‌رسد شعر قالی به صورت موردی سروده شده و بر اساس ساقی‌نامه طراحی و طول معمول آن اشعار کتیبه شده نیز بین پنج تا هفت متغیر است.

شکل ۲- قالی لچک‌ترنج بافت قزوین (قرن۱۰ ه .ق، صفوی) (Tokatlian 2019: 3)

شکل ۳- قالی هشت‌گوش صفوی با ابیات واقع در مجموعه‌ی آلبرت گوپیل حافظ، تبریز، موزه‌ی فرش ایران (بصام و همکاران، ۱۳۸۳: ۹۷)

شکل ۲ قالی لچک ترنج بافت قزوین متعلق به قرن ۱۰ هجری در دوره‌ی صفوی را نشان می‌دهد که در داخل ترنج مرکزی حیوانات شکاری مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند و متن فرش مملو از نقوش ختایی و اسلیمی ابری است. در داخل کتیبه‌های حاشیه‌ی اطراف نیز، ابیاتی با مضمون مژده آمدن بهار و سرمستی از حافظ آورده شده‌است (Tokatlian, 2019:2).

رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید — وظیفه گر برسد، مصرفش گل است و نبید
صَفیر مرغ برآمد، بَط شراب کجاست؟ — فَغان فتاد به بلبل، نقاب گل که کشید؟
مَکُن ز غُصه شکایت که در طریق طلب — به راحتی نرسید آن که زحمتی نکشید
چُنان کرشمه‌ی ساقی دلم ز دست ببرد — که با کسی دِگَرَم نیست برگ گفت و شنید

در شکل۳، قالی هشت‌گوش بافته شده در تبریز در قرن ۱۱ ه.ش مشاهده می‌شود که شکل نامتعارف آن نشانگر این است که به احتمال زیاد این قالیچه برای پوشش صندوقچه‌ی مزاری مورد استفاده قرارمی‌گرفت. در

مرکز آن نقشی از سیمرغ و اژدها به سبک دوره‌ی تیموری قرار دارد و حاشیه‌ی پهن آن با ترکیبی از قاب‌های مدور و کشیده با همراهی نقوش ختایی طراحی شده و ابیاتی منسوب به حافظ شیرازی با مضمون زمانه و عمر در آن بافته شده است:

تا سایه‌ی مبارکت افتاد بر سرم — دولت غلام من شد و اقبال چاکرم
شد سال‌ها که از سر من رفته بود بخت — در دولت وصال تو باز آمد از درم
بیدار در زمانه ندیدی کسی مرا — درخواب اگر خیال تو گشتی مصورم
من عمر در غم تو به پایان برم ولی — باور مکن که بی تو زمانی بسر برم

شکل ۴- قالی بافت هریس، زمان (نامعلوم)
(ژوله، ۱۳۸۱: تصویر ۳۱۱)

شکل ۵- فرش ابریشمی ترنج‌دار، تبریز اوایل قرن۱۰ ه.ش.
موزه هنرهای تزئینی پاریس (دریایی، ۱۳۹۰: ۴۲)

در شکل ٤، یک قالی قدیمی منحصر به فرد بافت هریس با گل‌های ختایی مشاهده می‌شود که در اطراف متن و قبل از حاشیه‌ی کوچک آن نیز اشعاری از حافظ در داخل کادرهایی بافته شده‌اند.

گل در بَر و می در کف و معشوق به کام است — سلطان جهانم به چنین روز غلام است
گو شمع میارید در این جمع که امشب — در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است
در مذهب ما باده حلال است ولیکن — بی‌روی تو ای سرو گُل‌اندام، حرام است
حافظ منشین بی مِی و معشوق زمانی — که ا ام گل و یاسمن و عید صیام است

در دوره‌ی صفوی بافت قالی‌هایی تحت عنوان «سالتینگ»[۲] نیز رواج داشته که مهم‌ترین مشخصه‌ی این فرش‌ها کاربرد خوشنویسی در کتیبه‌های متن یا حاشیه‌ها و یا هردو است. از آن زمان برای قالی‌هایی که مصرف عام‌تر داشتند از اشعار فارسی و برای فرش‌های جانمازی و محرابی که مصارف مذهبی داشتند از آیات قرآنی و به خصوص شیعی در کتیبه‌ها کار می‌شده است (دریایی، ۱۳۹۰: ٤٨).

شکل ۵ قالی ابریشمی ترنج‌دار با نقش طاووس و بافت تبریز را نشان می‌دهد که در حاشیه‌ی زمینه‌ی طلایی رنگ آن قاب‌های بازوبندی وجود دارد و در آن غزل بهاریه‌ای از جامی به خط نستعلیق نوشته شده‌است با این مضمون:

ساقی برآمد ابر بهاران | شد سبزه و گل خرم ز باران
ژاله گهر ریخت در جام لاله | لاله علم زد بر کوهساران
نرگس گشاده چشمی پر اختر | شب تا سحر چون شب زنده داران
خوش آنکه گیرد چون لاله ساغر | بر روی سبزه با گلعذاران
کرده بنفشه بر فوت فرصت | دراعه نیلی چون سوگواران

بر یک نمونه‌ی دیگر از این قالی‌های معروف به سالتینگ که متعلق به نیمه‌ی دوم قرن ۱۰ هجری است، و در بافت آن از الیاف طلا و نقره و ابریشم استفاده شده و در دسته فرش‌های زربفت این دوره نیز قرار می‌گیرد، نقش یک ترنج با ٤ مرغابی در وسط آن دیده می‌شود و زمینه‌ی فرش را ختایی و اسلیمی‌های ابری و شیر و پلنگ در حال شکار خرگوش و گوزن پرکرده‌اند. در حاشیه‌ی بزرگ این قالی در داخل قاب‌هایی ابیاتی از غزلیات حافظ بافته شده‌است.

شکل ۶- قالی ترنج‌دار زربفت سالتینگ، قزوین
(خشکنابی، ۱۳۷۵: ۱۷)

شکل ۷- قالی تمام ابریشم زربفت صفوی، موزه ملی ایران
نیمه‌ی دوم قرن ۱۰ ه ش. موزه ویکتوریا و البرت (Tokatlian, 2019: 6)

می خواه و گل افشان کن، از دهر چه می‌جویی؟ | این گفت سحرگه گل، بلبل تو چه می‌گویی؟
مَسْنَد به گلستان بر، تا شاهد و ساقی را | لب‌گیری و رخ بوسی، می نوشی و گل بویی
شمشاد، خرامان کن وآهنگ گلستان کن | تا سرو بیاموزد، از قد تو، دل‌جویی
امروز که بازارت، پرجوش خریدار است | دریاب و بنه گنجی، از مایه‌ی نیکویی
هر مرغ به دستانی، در گلشن شاه آمد | بلبل به نواسازی، حافظ به غزل‌گویی

شکل ۷ نیز، قالی تمام ابریشم ترنج‌دار زربفتی را نشان می‌دهد که در دوره‌ی صفوی بافته شده‌است. و دور تا دور قالی ده کتیبه با زمینه‌ی لاکی قرار دارند و حاوی پنج بیت شعر از شاعری گمنام در وصف معراج رسول اکرم(ص) است.

ای بر دوشک سپهر جایت | قالیچه چرخ زیر پایت
چون بر دوشک نعت[3] تو را جاست | خورشیدی و چارمین فلک راست
قالیچه نشین چرخ چارم | در زیلوی چارگوشه‌ات گم
آراسته بر رکاب اجلال | قالیچه فتح و عز و اقبال
تا هست جهان، جهان ترا باد | بر مسند دولتت بقا باد»

شناسایی و مستندسازی قالی ایران در دوره‌ی افشار (۱۱٤۸–٦۱ ه /۱۷۳٦–٤۸ م) و زند (۱۱٦۳–۱۲۰۹ ه /۱۷۵۰– ۷۹ م) به دلیل عدم وجود نمونه‌ها دشوار است و شواهد تاریخی و آرشیوی دیدگاه عمومی این بوده‌است که در انحطاط سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ‌های نادرشاه افشار تولید فرش تقریبا به پایان رسید (Edwards, 1953: 5). اما بررسی دقیق تاریخ‌های قرن ۱۲ ه/۱۸ م گزارش‌های مسافران و سوابق تجاری، تصویری متفاوت از تولید فرش‌ایرانی را نشان می‌دهند. اگرچه محتمل است که فرش‌های ابریشمی با شکوه به سبک کارخانجات درباری صفوی دیگر در مقادیر قابل توجهی تولید نمی‌شدند، ولی منطقی به نظر می‌رسد که تولید قالی‌های پشمی کمتر مجلل ادامه داشته باشد؛ آن هم در مقیاس کوچک‌تر و عمدتا برای مصرف داخلی، نه برای صادرات. همچنین این احتمال وجود دارد که قالی‌های قبیله‌ای هنوز بافته می‌شدند و نمد و دیگر انواع پوشش‌های کف بدون پرز، چه محلی و چه وارداتی، همچنان مورد تقاضا بود (Diba, 2012: 875).

رونق و ثبات مجدد محلی که با سلطنت کریم‌خان زند در شیراز و جنوب ایران همراه بود (۱۱٦۳–۱۷۵۰/۹۳–۷۹) نیز باید برای تولید فرش در آن‌جا مساعد بوده باشد. در واقع، به گفته‌ی یکی از معاصران خود کریم‌خان: او مدعی بود که در قالی‌بافی و نیز در چندین رشته‌ی دیگر نیز مهارت دارد (آصف، ۱۳٤۸: ۳۰۹). اما با توجه به این‌که از سلسله‌ی افشار و زند نمونه فرشی که در آن ابیات و اشعاری بافته شده باشد، مشاهده نشده‌است؛ پس از این دوران تاریخی صرف‌نظر کرده و به زمان قاجار می‌رسیم و در آن مشاهده می‌شود که بر روی یک جل‌اسب که گفته شده متعلق به فتحعلی‌شاه قاجار بوده و در یک مجموعه‌ی شخصی در شیراز نگهداری می‌شد؛ این بیت شعر در آن بافته شده است: (شکل ۸)

بر اطلس چرخ فخر کُن ای سَر زین[4] | هستی چه نشیمن شَه باتَمکین[5]

در شکل ۹ نیز قالی تمام ابریشم بافت تبریز، متعلق به قرن ۱۳ هجری با نقش خشتی یا قابقابی مشاهده می‌شود که در حاشیه‌ی آن و نیز در نوار اطراف هر چهار قاب در متن قالی این ابیات از بابا اصلی دماوندی شاعر قرن ۱۱ هجری تکرار شده اند.

جهان ساغر فلک ساقی اجل می | خلایق جرعه نوش مجلس وی
خلاصی نیست (اصلی) هیچ کسی را | از این ساغر از این ساقی از این می

شکل ۸– روزینی کشکولی (قالیچه)، قرن ۱۳ هجری (پرهام۱۳۷۱ :۲۴)

شکل ۹– قالی تبریز تمام ابریشم، قاجار (ژوله، ۱۳۸۱ : ۲۴)

شکل ۱۰– قالی با تصویر نورعلی‌شاه و مشتاق‌علی‌شاه، کاشان، (به احتمالاً ۱۲۲۱ ه.ق (۱۱۷۹ه.ش). (تناولی، ۱۳۶۸: ۲۴۳)

شکل ۱۱– قالیچه‌ی تصویری با موضوع خانه رفتن لیلی)– کرمان ۱۲۷۵ ه.ش (خشکنابی، ۱۳۷۵: ۴۸)

بافتن صورت دراویش بر روی قالی و قالیچه‌ها را نیز باید از پدیده‌های دو سده‌ی اخیر و قسمتی از جنبش تصویرگرایی بر روی قالی دانست. که در این میان تصویر نورعلی شاه[۶] بیش از هر درویش دیگری مورد توجه قالی‌بافان بوده‌است. در شکل۱۰ نورعلی شاه با تبرزین و کشکول به تصویر کشیده شده است و حاشیه‌های این قالیچه شامل کتیبه‌ها و ابیاتی از غزلیات فروغ بسطامی مرتبط با تصویر است (رشادی،۱۳۹۰: ۱۹۰).

در میکده خدمت کن بی‌معرکه سلطان باش — فرمان‌بر ساقی شو، فرمانده دوران باش
در حلقه‌ی می‌خواران بی‌کار نباید شد — یا خواجه‌ی فرمانده یا بنده‌ی فرمان باش
گر صحبت یوسف را پیوسته طمع داری — با آینه روشن یا آینه گردان باش

شکل ۱۱ نیز به قالی تصویری با موضوع به خانه رفتن لیلی، به داستان لیلی اشاره دارد، که در این‌جا لیلی با حالتی غمگین بر روی شتری سوار است و مجنون در حالی که آشیانه‌ای از پرندگان را به شکل کلاه بر سر دارد، افسار شتر را دردست گرفته‌است. و در حاشیه‌ی این قالی که در راور کرمان ۱۲۷۵ ه.ش بافته شده ابیاتی از خمسه نظامی دیده می‌شود (بصام، فرجو و ذریه‌زهرا، ۱۳۸۳: ۱۸۷). این کتیبه‌های شعری در ارتباط با عناصر موجود در متن قالی به دو سطح اشاره دارد: یکی ماجرای عروسی لیلی با ابن‌سلام و وداع وی با مجنون، برگرفته شده از (مکتبی شیرازی)؛ و در سطح دوم به پیروزی خیر (مجنون) بر شر (ابن‌سلام) توسط حیواناتی است که مجنون در بیابان با آن‌ها همنشین بوده و اکنون کاروان عروسی را همراهی می‌کنند (شاه‌چراغ و دیگران ۱۳۹۹: ۷۷).

نو خامه‌ی این کهن فسانه — زین سوز چنین کشد زبانه
کان روز که مهد آن پری روی — می‌رفت سوی قبیله‌ی شوی
از قافله نامناسبی دون — بر دامن کوه دید مجنون
زان جانوران به خاک راهش — یک‌یک شده داغدار آهش
چون ناله او زکوه بشنفت — از قافله سوی او شد و گفت
بستند به رغبت و صلاحش — با شاه قبیله‌ای نکاحش
مجنون ز دلش چو شعله جوشید — از جای درآمد و خروشید
گریان سوی محمل آمد از دور — می‌گفت خراب حال و رنجور
لیلی چو شنید بر زد آهی — کز خرمن مه نماند کاهی

(ذوالفقاری و ارسطو، ۱۳۸۹: ۱۹۲)

شکل ۱۲، قالی با نقش داستان‌هایی از شاهنامه را نشان می‌دهد که تلفیقی است بی‌نظیر از ادب و هنر و تاریخ ایران و از ۲۵ قاب تشکیل شده که در هر قاب بخشی از زندگی رستم، پهلوان ایرانی در شاهنامه، نقش بسته شده‌است. از قاب سمت چپ پایین قالی، قصه‌ی رستم با رام کردن رخش، آغاز می‌شود و بر خشت آخر قالی سکانس مرگ رستم را مشاهده می‌کنیم در این بین ماجرای قصه‌ی معروف هفت‌خان رستم نیز در این قالی روایت شده‌است. این تصاویر به سبک قهوه‌خانه‌ای، تصویرپردازی شده و نوارهای حاشیه هر قاب، در دوردیف، اشعار مرتبط با موضوع داستان تصویر شده را بیان می‌کند.

بدو گفت ار ایدونکه رستم تویی — بکشتی مرا خیره از بدخویی
ز هر گونه‌ای بودمت رهنمای — نجنبید یک ذره مهرت ز جای
چو برخاست آواز کوس از درم — بیامد پر از خون دو رخ مادرم
همی جانش از رفتن من بخست — کی مهره بر بازوی من ببستی

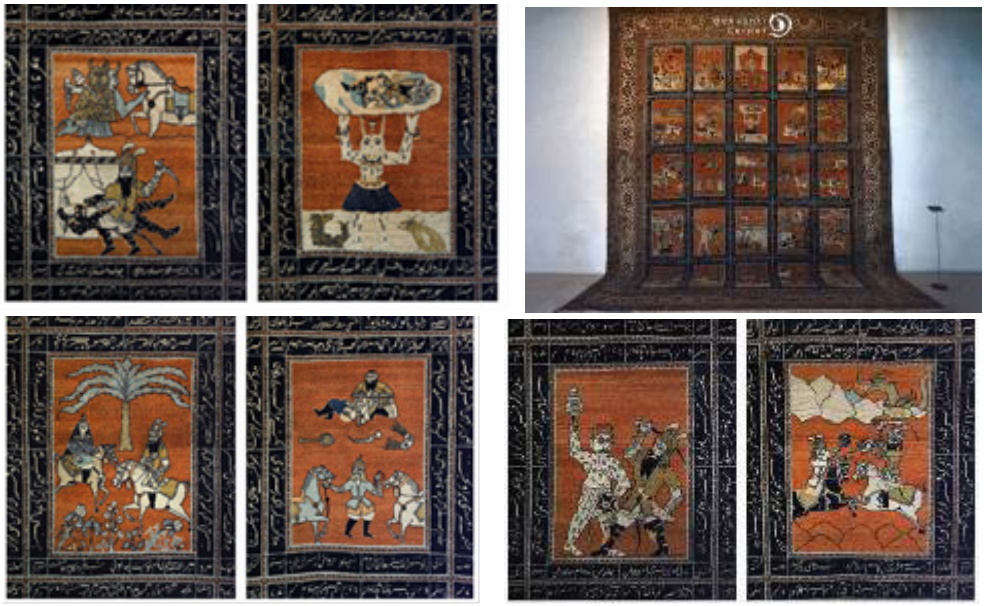

شکل ۱۲- قالی تبریز قرن ۱۳ ه، با طرح قابی شاهنامه‌ای، بافت تبریز، موزه‌ی فرش ایران (beheshticarpet.com)

شکل ۱۳- طرح فرش با موضوع: روایت قربانی شدن حضرت اسماعیل(ع) به دست حضرت ابراهیم(ع) (اثر میرزاسیدعلی مدرسی).

دوره‌ی قاجار (کشاورز افشار، ۱۳۹۳: ۷)

شکل ۱۴- قالی ترنجدار ساروق یا فراهان قرن ۱۳ ه
(hali magazine2016:11)

پرداختن به تصاویر مذهبی نیز جنبه‌ای دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد قالیچه‌های تصویری دوره‌ی قاجار است. هرچند تعداد این قالیچه‌ها در مقایسه با قالیچه‌های تصویری با موضوع پادشاهان کم است[۷]؛ در طرح فرش با موضوع روایت قربانی شدن حضرت اسماعیل (ع) به‌دست حضرت ابراهیم(ع)، که به سفارش احمد و عمل راور قرار به بافت شد، ابیاتی مرتبط با تصویر در حاشیه‌ی کار به چشم می‌خورد که سراینده آن نامشخص است. (شکل ۱۳)

این محبت از محبت‌های اوست | جان خود کرده نثار کوی دوست
خواست تا سازد سرش از تن جدا | امر از الله بهر او فدا
در ره جانان روا جان باختن | در منای دوست یکسر تاختن
کیست اسماعیل قربانی کند | در ره جانان فدا جانی کند
هست ابراهیم قربانی ار اوست | کرده اسماعیل قربانی دوست

شکل ١٤، قالی ترنج‌دار متعلق به قرن ١٣ هجری از منطقه‌ی ساروق یا فراهان، را نشان می‌دهد که تمام متن و حاشیه با گل‌های ختایی تزیین شده‌اند و از این‌رو متناسب با طرح، ابیاتی از غزلیات سعدی با همین مضمون گل و باغ نیزدر حاشیه آن بافته شده‌است.

درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند | جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند
حریف مجلس ما خود همیشه دل می‌برد | علی‌الخصوص که پیرایه‌ای بر او بستند
کسان که در رمضان چنگ می‌شکستندی | نسیم گل بشنیدند و توبه بشکستند
دو دوست قدر شناسند عهد صحبت را | که مدتی ببریدند و بازپیوستند
یکی درخت گل اندر فضای خلوت ماست | که سروهای چمن پیش قامتش پستند

شکل ١٥- قالی ابریشمی- تبریز- اواخر دوره‌ی قاجار- موزه‌ی فرش ایران (hali magazine2016: 101)

شکل ١٦- قالی ابریشمی با نقش احمدشاه قاجار- اصفهان ١٣٣٢ه. ق (hali magazine 2016: 3)

شکل ١٥، قالی ابریشمی بافت تبریز را که به نظر می‌رسد در زمان سلطنت مظفرالدین شاه بافته شده است نشان می‌دهد و در زمینه‌ی قالی علاوه بر ترنج مرکزی با کتیبه‌ی لوزی شکل داخل آن، تصاویری از درخت زندگی و حیواناتی نظیر سر فیل، زرافه و احتمالاً شیر را می‌بینیم و در بالای متن، تصویر تاج پادشاهی است که در دوطرف آن نقش شیر و خورشید قرار دارد. نقش شیر و خورشید از جمله نشانه‌های روی پرچم در دوره‌ی

قاجار بود که نماد سلطنت به شمار می‌رفت (ذکاء، ۱۳٤٤: ۳۵) و دست‌هایی در حال تقدیم شاخه گل به این مقام هستند. در این زمان خلاف دوره‌ی احمد شاه که فرش‌های بسیاری با تصور وی بافته شد، بیش از آن که به تصویر مظفرالدین شاه بپردازند، نام وی را بافته و تأکید بیشتر بر مقام و جایگاه شاه بوده است. قرار دادن نام مظفرالدین شاه در قسمت‌های مهم و کلیدی و در کنار نمادهایی بود که به فره و نیروی‌الهی اشاره داشتند (عرفان منش و امانی، ۱٤۰۱: ۷٤). در این راستا در اطراف زمینه و خارج از حاشیه‌ی فرش کتیبه‌هایی از اشعار، خوشنویسی شده‌است که در مدح مظفرالدین شاه و با این مضمون هستند.

در دولت شه مظفرالدین — بگرفت زمانه ..؟.. آیین
بر تخت شهنشهی چو بنشست — از پای نشست فتنه و کین
چون تاج کیان نهاد بر سر — افتاد زجلوه و ماه و پروین
چون تیغ جهان کشا حمایل — فرمود قضا نمود تمکین
شاهان زمان پیاده گشتند — چون شاه جهان نشست بر زین
اسلام برای او دعا کرد — جبریل امین بگفت امین

و در داخل ترنج لوزی شکل وسط متن این ابیات بافته شده است:

تا فرش زمین گلست و نسرین — عهدش همه نوبهار بادا
بی آفت و بی گزند ...؟ — مسند بوجود شه مزین

در قالی ابریشمی دیگری که در اصفهان بافته شده (متعلق به مجموعه خصوصی)، از اواخر دوره‌ی قاجار و به فرمایش حاجی آقا محمد مهدی مهاجری است؛ تصویر احمدشاه را به همراه دو فرشته در طرفین آن در بالای طاق قوسی شکل قالی مشاهده می‌کنیم که در حاشیه‌ی بزرگ اطراف آن نیز اشعاری در وصف او بافته شده است و یک بیت آن از اشعار سعدی اقتباس شده و باقی به نظر می‌رسد که بداهه سروده شده باشند. (شکل۱٦)

سال و مهت مبارک روز و شبت بخیر — بختت بلند و گردش گیتی به کام باد (سعدی)
مهرت همیشه بر دل حکمت بروی چشم — مهرت بدل تلطف سرورت مدام باد
یارب مثال عاقبتش پر دوام باد — امیال دولت شرفت مستدام باد
ظل حمایتت بسر خلق برفراز — جود فتوتت ..؟.. خواص عام باد

در شکل ۱۷ نیز قالیچه‌ی ابریشمی با طرح محرابی کاشان (از مجموعه قالی‌های خصوصی) را نشان می‌دهد که در حاشیه‌ی دورتادور قالی و در ۱۰ کتیبه، پنج بیت از یک غزل یازده بیتی از سعدی شیرازی با خط نستعلیق بافته شده‌است و در حاشیه‌ی کوچک سر قالی، نام سفارش‌دهنده (فرمایش اسماعیل اوبا یهودی) را می‌بینیم که در سال ۱۳۳۵ ه.ش بافته شده و نقش اصلی آن شامل یک درخت با پرندگان و میوه‌های گوناگون است:

درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند
جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند

حریف مجلس ما خود همیشه دل می برد
علی‌الخصوص که پیرایه‌ای بر او بستند

بسط سبزه لگدکوب شد به پای نشاط
ز بسکه عارف و عامی به رقص برجستند

دو دوست قدر شناسد حق صحبت را
که مدتی ببریدند و باز پیوستند

یکی درخت گل اندر میان خانه ماست
که سروهای چمن پیش قامتش پستند

به در نمی‌رود از خانگه یکی هشیار
که پیش شحنه بگوید که صوفیان مستند

(خشکنابی، ۱۳۷۵: ٤١)

شکل ۱۷- قالیچه‌ی طرح محرابی کاشان، ۱۳۳۵ ه.ش.
مجموعه‌ی خصوصی (خشکنابی، ۱۳۷۵: ۴۱)

شکل ۱۸- محرابی ترنج‌دار، پرده‌ی ورودی درهای حرم مطهر امام رضا (ع)، اصفهان، ۱۳۰۸ه ش (۱۳۵۰ه ق)، موزه‌ی آستان قدس رضوی
(کفشدار طوسی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴)

اما یکی از قدیمی‌ترین قالی‌های موزه‌ی فرش آستان‌قدس رضوی که دارای اشعاری درباره‌ی امام رضا (علیه‌السلام) است، یک نوع قالی پرده‌ای[۸] متعلق به اواخر دوره‌ی قاجار و اوایل پهلوی است. این قالی (قالی پرده‌ای محرابی ترنج‌دار)، از نظر قدمت نخستین قالی با محتوای اشعاری در مدح امام رضا (علیه‌السلام) است که آن را محمد میناکار اصفهانی بافته و محمدرضا اصفهانی در سال ۱۳۱۱ هجری خورشیدی وقف حرم امام رضا (علیه‌السلام) نموده است و دو بیت زیر از رباعیات صغیر اصفهانی به منظور بافت در همین قالی بر بالای آن سروده شده است (احمدی‌پیام، ۱۳۹٤: ۲۸۵). (شکل۱۸)

از دیده دل اگر رضا را بینی
مرآت جمال کبریا را بینی

گر پرده اوهام به یک سو فکنی
اندر پس این پرده خدا را بینی

شکل ۱۹- قالیچه‌ی کرمان، ۱۳۱۰ ه.ش، محل نگهداری موزه‌ی فرش ایران (خشکنابی ۱۳۷۵: ۴۷)

شکل ۲۰- تصویر مشتاق علی‌شاه، تبریز ۱۳۱۵ه.ش (ژوله ۱۳۹۴: ۵۶)

شکل ۱۹، قالیچه‌ی بافت کرمان در سال ۱۳۱۰ ه.ش را نشان می‌دهد که در ترنج وسط آن عبارت (جهاندار مبارک) بافته شده و دورتادور حاشیه‌ی بزرگ نیز ۳۲ کتیبه دارد که در ۱۶کتیبه‌ی آن این دوبیتی در مدح حضرت سلیمان تکرار شده‌اند:

ای لعل لبت چو غنچه خندان — وی روی تو همچو ماه تابان

اندر خور مجلست نباشد — غالیچه (قالیچه) حضرت سلیمان (خشکنابی، ۱۳۷۵: ٤٦)

شکل ۲۰، قالی بافته شده در سال ۱۳۱۵ه.ش را در تبریز به سفارش باستانیان نشان می‌دهد، که تصویر مشتاق علی‌شاه از دراویش صوفیه بر آن نقش بسته شده و در حاشیه‌ی بزرگ اطراف قالی این ابیات از سعدی در وصف وی آمده است.

دولت جاوید یافت — هرکه نکو نام زیست

کز عقبش ذکر خیر — زنده کند نام را

شکل ۲۱، قالی پرده‌ای دیگری است با طرح محرابی قندیلی که محمد هنرمند کرمانی در سال ۱۳۲۷ ه.ش آن‌را وقف حرم مطهر امام‌رضا (علیه السلام) نمود و در داخل کادرهایی بر حاشیه‌ی قاب‌های مستطیلی این پرده اشعاری با موضوع نحوه‌ی شهادت ایشان نقش بسته شده است.

قضا زکینه مأمون نمود با خبرم | در این سفر نبود غیر مرگ در نظرم
نمی‌روم به سفر من که باز برگردم | چه من به خدمت کافر این سفر کردم
کند شهید به تکلیف دانه انگور | مرا به کشور طوس آن تباه کار غیور
به میل،کس نزند جامه در عزای غریب | بغیر خاک سیه نیست متکای غریب

شکل ۲۱- محرابی قندیلی، کرمان، ۱۳۲۷ ه.ش، موزه‌ی آستان قدس رضوی (کفشدار طوسی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵)

شکل ۲۲- قالی با نقش شکار بهرام‌گور، کاشان، اوایل قرن ۱۴ ه.ق (یساولی ۱۳۷۴: بخش تصاویر)

در شکل ۲۲ قالی با داستان شکار بهرام‌گور (بهرام پنجم ساسانی) در شاهنامه‌ی فردوسی و خمسه‌ی نظامی با تفاوت‌هایی در فضاسازی روایات و نتیجه‌ی نهایی آن به تصویر درآمده و در گستره‌ی وسیعی از آثار هنری ایران از جمله فرش نیز نمایان شده‌است. و در شکل ۲٤ نیز مشاهده می‌شود که درحاشیه‌ی اطراف قالی اشعاری از خمسه‌ی نظامی (هفت پیکر) با مضمون داستان بهرام با کنیزک خویش، بافته شده است.

نوش‌لب زآن منش که خوی بود — زن بُد و زن گزافه‌گوی بَود
گفت باید که رخ برافروزی — سر این گور در سمش دوزی
شاه چون دید پیچ پیچی او — چاره‌گر شد ز بد بسیچی او
خواست اول کمان گروهه چو باد — مهره‌ای در کمان گروهه نهاد
صید را مهره درفکند به گوش — آمد از تاب مهره مغز به جوش
سم سوی گوش برد صید زبون — تا ز گوش آرد آن علاقه برون

شکل ۲۳- فرش شاهنامه، تهران۱۳۵۱، بنیاد فرهنگی، هنری رسام عرب‌زاده (نگارنده)

فرهنگ شاهنامه‌خوانی و شاهنامه‌بافی بعد از دوره‌ی قاجار نیز ادامه داشته و در شکل ۲۳ مشاهده می‌شود که در متن قالی تصویری که از مجموعه‌ی رسام عرب‌زاده و به منظور تجلیل از فردوسی شاعر بزرگ ایران بافته شده است؛ بارگاه سلطان محمود و مجلس شعرخوانی فردوسی در حضور سلطان و درباریان به نمایش درآمده‌است و در حاشیه‌ی باریک اطراف متن نیز ترکیبی از نقوش ختایی و کتیبه‌های منقوش و ابیاتی از شاهنامه به خط شکسته نستعلیق بافته شده‌اند.

بسی رنج بردم بدین سال سی — عجم زنده کردم بدین پارسی
پی افکندم از نظم کاخی بلند — که از باد و باران نیابد گزند
بناهای آباد گردد خراب — ز باران و از تابش آفتاب

شکل ۲۴- فرش تصویری شاهنامه، تهران ۱۳۷۶ه ش، موزه‌ی فرش ایران (بصام و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۱)

شکل ۲۵- کتیبه‌ای اصفهان، ۱۳۷۷ه ش، موزه‌ی استان قدس رضوی (کفشدار طوسی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۱)

شکل ۲٤، موضوع شناسایی شاپور توسط پدرش اردشیر در میدان چوگان از شاهنامه‌ی طهماسبی دیده می‌شود که در بالا و پایین آن اشعار فردوسی از این شاهنامه با خط نستعلیق و به صورت ستونی بافته شده‌اند.

سوارانش از خاک برداشتند — همی دست بر دست بگذاشتند
شهنشاه زان پس گرفتش به بر — همی آفرین خواند بر دادگر
سر و چشم و رویش ببوسید و گفت — که چونین شگفتی نشاید نهفت
به دل هرگز این یاد نگذاشتم — که شاپور را کشته پنداشتم
چو یزدان مرا شهریاری فزود — ز من در جهان یادگاری فزود
به فرمان او بر نیابی گذر — وگر برتر آری ز خورشید سر
گهر خواست از گنج و دینار خواست — گرانمایه یاقوت بسیار خواست
برو زر و گوهر بسی ریختند — زبر مشک و عنبر بسی بیختند

در ادامه‌ی قالی‌های پرده‌ای آستان قدس نمونه‌ی دیگر، قالی است که محمد صیرفیان آن را با شعری از بانو حکمت در سال ۱۳۷۷ طراحی و تولید و سپس وقف حرم رضوی کرده است. که دارای نقش‌مایه‌های تزیینی گیاهی بوده و متنی مشتمل بر ۲٤ کتیبه‌ی قلمدانی دارد که در قالب غزل در مدح حضرت رضا (ع) بافته شده است (فرهمند، ۱٤۰۰). (شکل۲۵)

پروانه‌وار گرد ضریح تو پر می‌زنم | اشک چو شمع ریزد و بر جان شرر زنم
ای هشتمین امام به حق یار شیعیان | از شوق دیدن تو به کوه و کمر زنم
سبط پیمبری تو و فرزند حیدری | در مدح دودمان تو بانگ سحر زنم» (احمدی‌پیام، ۱۳۹٤: ۲۸۸)

شکل ۲۶- تابلوهای گره بافت ابوالفضل شاهی (گالری هما، تهران) (kashannews.net)

اما یکی از خلاقیت‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر که توسط ابوالفضل‌شاهی انجام شد؛ بافت اشعار و ترانه‌هایی است در فرش که توسط بافندگان در حین انجام کار زمزمه می‌شدند و یا کارآواهایی که نقشه‌خوان‌ها برای بافنده در هر رج می‌خواندند تا رنگ و جای گره مشخص شود. محتوی این شعر و نغمه‌ها از هنرهای کلامی مردمانی است که تفکر، اعتقادات، آرزوها، باورها و دردهای خویش را به تارهای قالی گره می‌زنند. و ریشه‌ی اصلی این ترانه‌ها اغلب عبارت است از: اعتقادات مذهبی و پایبندی به آن‌ها، توجه ویژه به ائمه، شوق میهن دوستی، بیان دلتنگی‌ها، اهمیت به وقت و زمان، بیان دلاوری‌ها و مبارزات، غم غربت، عشق و به‌طور کلی زبان‌حال بافنده در حین بافت است که حس خود را از این طریق به دست‌بافته انتقال می‌داد و به این ترتیب این قالی‌ها به‌عنوان یک‌رسانه، خود منتقل‌کننده‌ی حال و هوای خویش بودند.

بحث و نتیجه‌گیری

دو هنر شعر و فرش دست‌بافت هرکدام ریشه‌هایی کهن در هنر و فرهنگ ایران داشته و تداعی‌کننده‌ی فرهنگ غنی ایران هستند. این دو در عین بی ارتباط بودن با هم ولی عواملی شبیه به هم را برای بیان زیبایی به خدمت گرفته‌اند که در فرش، تکرار نگاره‌ها و نقوش و در شعر ضرباهنگ کلمات و موسیقی کلام است. یافته‌ها نشان می‌دهد که به‌ویژه با رواج مذهب تشیع در دوره‌ی صفوی، اشعار نیز به‌عنوان بخشی از طرح و نقش فرش در آن بافته شدند و اغلب در داخل قاب و کتیبه زینت‌بخش فرش‌ها شدند و بدین‌ترتیب تأثیرپذیری کل اثر را بر مخاطب افزایش دادند. این اشعار گاه توسط شاعران بزرگ و نامی و گاهی توسط مردمی عادی و یا شاعران گمنام و به صورت فکاهی و بداهه و موردی برای یک قالی سروده می‌شدند و یا حتی ژانرهای شعری کوتاهی بودندکه توسط شاعران گمنام به درخواست بافندگان نوشته شده و معمولاًسعی می‌شد که شعر و نقش قالی با یکدیگر همخوانی داشته باشند.

گاهی نیز ابیات قالی بسته به کاربری آن در فضای مورد استفاده، انتخاب می‌شدند ضمن این‌که از دوره‌ی صفوی به بعد توجه شعرا به قالب شعری غزل و مثنوی نیز بیشتر شد.

اما محتوی اشعار بافته شده در فرش از دوره‌ی صفوی به بعد شامل این موارد بوده است: مدح و ثنای پروردگار، ائمه، پیامبران، بزرگان، عرفا و حکما و تا حدودی پادشاهان، داستان‌های دینی، مضامین عارفانه و عاشقانه برگرفته شده از خمسه‌ی نظامی، داستان‌های شاهنامه و نیز عبرت‌آموز و ترانه‌های بافندگان (کارآواها). با تحلیل و مشاهده‌ی اشعار و نقوش بافته‌شده در فرش‌ها نیز مشخص می‌شود که گاهی طراح براساس موضوع مورد نظر خویش، شعر را در اولویت قرار داده و سپس طرحی متناسب با آن موضوع و شعر نقش زده است. چنان‌چه به گفته‌ی پوپ احتمال دارد که طراحان این قالی‌ها قصد داشتند با ثبت اشعار، محصول ذوق ادبی خود را جاودانه سازند. اما گاهی نیز با توجه به نقش و نگار فرش که عمدتا گیاهان و جانوران و فضای بهشتی را رقم می‌زند، اشعاری متناسب با آن انتخاب نموده و در طرح و فرش آورده‌است که در این میان اشعار و نقوش فرش‌های کاربردی کاملاً متناسب با کاربری آن فرش انتخاب شده و در اولویت پایین‌تری قرار داشتند.

در جدول شماره‌ی (۱)، به درصدگیری و تحلیل موارد زیر جهت درک بیشتر می‌پردازیم و لازم به ذکر است که به دلیل نزدیک بودن پاسخ سؤالات ۲و۳ ، درصدگیری تقریبی است.

جدول ۱- درصدگیری یافته‌های تحقیق

ردیف	سؤالات تحقیق	درصدگیری بر مبنای تعداد ۳۰ عدد نمونه
۱	رابطه‌ی شعر با کاربرد فرش بافته شده در آن	٪۱۷
۲	رابطه‌ی سبک و دوره‌ی اشعار در فرش بافته شده	٪۳۸
۳	رابطه‌ی شعر با طرح و نقش فرش بافته شده در آن	٪۴۵

۱- رابطه‌ی شعر با کاربرد فرش بافته شده در آن چیست؟

گاهی اشعار بر اساس کاربردی که دست‌بافته داشت انتخاب می‌شدند. مثلاً فرش‌هایی که بیشتر جنبه‌ی زیرانداز داشتند؛ به باغ و بوستانی که برآن قدم می‌گذاریم و یا بهشت برین اشاره می‌کند و اشعاری در این خصوص بر آن‌ها بافته شده‌است. در فرش‌های مساجد و اماکن مذهبی و نیز روپوش مقابر نیز اشعاری با مضامین معنوی را می‌بینیم. اگر هم قالی (قالیچه) به‌عنوان زیرانداز یا جل اسب برای یک شخصیت با اهمیت بود که ابیات کاملاً در مدح و وصف وی سروده و بافته می‌شد.

۲- رابطه‌ی سبک و دوره‌ی اشعار با فرش از دوره‌ی صفوی به بعد، چیست؟

همان‌طور که اشاره شد از دوره‌ی صفوی به بعد، بافت شعر در فرش رایج شد و بدین ترتیب شاهد بافت این مضامین ادبی و ابیات در فرش نیز هستیم، از این دوره به بعد شعرای بزرگ به دنبال راهی بودند که هم ارتباط خود را با سنن گذشته حفظ کنند و هم شیوه‌ای جدید و تازه خلق نمایند. اما از آن‌جایی که صفویه در ابتدا با صوفی‌گری، و رواج مذهب شیعه همراه بود و ماهیت تشیع نیز عرفانی است از این‌رو در این دوره تا حدی شاهد اشعار عرفانی در ثنای پروردگار و مدح پیامبر و امامان و در دوره‌ی قاجار در مدح پادشاهان و حکما در فرش هستیم. از دوران حکومت صفوی، شاعران همچنین به نظم منظومه‌های داستانی نیز پرداختند و برای این امر از قالب مثنوی بهره بردند. منظومه‌های عشقی، اخلاقی و عرفانی در این‌دوره زیاد سروده شده است. شعرای عهد صفوی بدون استثناء غزل‌سرا بودند و کمتر غزلی را در این دوره می‌توان یافت که در آن نکته‌ای عرفانی نباشد. پس با پرداختن به غزل‌سرایی، مضمون‌های دقیق و تخیل شاعرانه را با الفاظ سبک و سنگین به هم آمیخته و از انواع ادبی نیز بهره بردند.

۳- رابطه‌ی شعر با طرح و نقش فرش بافته شده در آن چیست؟

درصد قابل توجهی از اشعار با طرح و نقش فرشی که در آن بافته می‌شدند، مرتبط هستند: همچون قالی‌های تصویری پادشاهان، دراویش، داستان‌های دینی و شاهنامه. اما در بیشتر مواقع با توجه به نقش غالب فرش‌ها که گل‌های ختایی، اسلیمی‌ها و درخت، پرندگان و جانوران را شامل می‌شود، این اشعار معرف باغ و بوستان، بهاران و فضای بهشتی هستند.

پی‌نوشت‌ها

1- Salting

۲- از اوایل قرن ۷ ه.ق در نتیجه‌ی حمله و استیلای مغول بازار قصیده‌سرایی از رونق افتاد و بعد از آن مثنوی و غزل بیشتر مورد توجه قرار گرفت. اما با ایجاد سلسله‌ی صفویه قصاید مدحی کاملاً از بین نرفت و پادشاهان گورکانی هند به تشویق شعرا مبادرت ورزیدند و شاعران مکتب اصفهان نیز به مدح شاهان صفوی پرداختند. اما قصاید این دوره اصلاً شبیه قصاید قرون ۵ و۶ هجری نبود و همین‌طور ویژگی‌های مکتب شعری اصفهان نیز آن‌چنان در این قصاید راهی نیافت و سیاست زمانه این‌طور ایجاب می‌کرد که به درخواست پادشاهان صفوی، شعرا ابتدا و بیشتر به مدح اولیاء دین بپردازند و سپس به مدح ایشان. اما باز هم شعرای کمی را می‌بینیم که به مدح پادشاهان صفوی پرداخته باشند.

قصاید دینی توسط شاعران قرن ۹ و اویل قرن۱۰ بنیان نهاده شد و سپس سیاست صفویان موجب گسترش آن شد. (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۲۹)

۳- نعت: تعریف و توصیف است. لفظ نعت به معنی مطلق ستایش و ثنای حضرت رسول اکرم (ص) نیز آمده است (رامپوری، ۱۳۷۵: ۹۱۶).

٤- کسی که روی این زین می‌نشیند.

۵- فتحعلی‌شاه قاجار

٦- نورعلی‌شاه از فرقه‌ی دراویش نعمت‌اللهی است و از آخرین دراویشی است که به سبک صوفیان گذشته زندگی پرشور و هیجانی داشته و به عالم تصوف رونق خاصی بخشیده‌است. نام اصلی این صوفی، محمدعلی بوده است. نورعلی‌شاه لقب طریقتی اوست (تناولی، ۱۳٦۸: ۸٤).

۷- برخلاف دوره‌ی صفوی که سرودن شعر و مدح در وصف پادشاهان کمتر از مدح و ستایش خداوند و اولیاء دین صورت می‌گرفت، در دوره‌ی قاجار تصویرگری پادشاهان و بزرگان بیشتر مورد توجه قرار گرفت که نمونه‌های زیادی از تصاویر احمدشاه، ناصرالدین‌شاه و تا حدودی مظفرالدین‌شاه بر روی آثار هنری از جمله قالی نقش بسته است.

۸- قالی پرده‌ای نوعی قالی است که به‌عنوان پرده در ورودی اماکن مذهبی (تکایا، حرم امامزادگان)، کاخ‌ها و منازل آویخته می‌شود و علاوه بر حفاظ، زینت‌بخش مکان مورد استفاده نیز بوده است. این قالی‌ها به صورت ساده، شکاف‌دار، یک‌رو یا دورو بوده و از نظر طرح و اندازه به شکل‌های مختلفی مطابق با محل استفاده تولید می‌شوند. از گذشته استفاده از قالی پرده‌ای در ورودی حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) به‌ویژه در فصول سرد به صورت گسترده رواج داشته است.

فهرست منابع

- احمدی‌پیام، رضوان. (۱۳۹٤). انعکاس ادبیات منظوم فارسی در فرش‌های موزه‌ی آستان قدس رضوی. در مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی (ص ۲۹۵- ۲۸۳) دانشگاه محقق اردبیلی و انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، اردبیل، شهریور، ۱۳۹٤.
- افروغ، محمد و بهاره براتی. (۱۳۹۲). عناصر و نمادهای هویت اسلامی در قالی ایرانی. *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۱٤ (۵۳)، ۱۳٦.
- آصف، محمد هاشم (رستم الحکما). (۱۳٤۸). رستم *التواریخ* (چاپ دوم). تصحیح محمد مشیری. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- بصام، سید جلال‌الدین، محمد حسین فرجو و سید امیرمحمد ذریه‌زهرا. (۱۳۸۳). *رویای بهشت: هنرقالی بافی ایران*. (۳جلدی). تهران: اتکا.
- پوپ، اپهام. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- پرهام، سیروس. (۱۳۷۱). *دست‌بافته‌های روستایی و عشایری فارس* (جلد اول). تهران: امیرکبیر.
- تناولی، پرویز. (۱۳٦۸). *قالیچه‌های تصویری ایران*. تهران: سروش
- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۹۰). *عرفان و ادب در عصر صفوی* (چاپ اول). ویراستار اکرم اکبری. تهران: حکمت.
- چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱٤۰۰). هویت پنهان فرش شیخ صفی، حقیقت فرش مقصود کاشانی. کاشان: دانشگاه کاشان، سوره تماشا.
- حشمتی رضوی، فضل‌الله. (۱۳۸۱). شعرگونه‌های بافت فرش.*کتاب ماه هنر*، ۵۳ و ۵٤.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۹). *دیوان حافظ*. تهران: بهزاد.
- خشکنابی، رضا. (۱۳۷۵). *ادب و عرفان در قالی ایران*. تهران: سروش.
- دریایی، نازیلا. (۱۳۹۰). قالی‌های ایرانی و اسلامی غیر ایرانی. *هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، ٤۵، ٤۸-٤۲.

- ذوالفقاری، حسن و پرویز ارسطو. (۱۳۸۹). *لیلی و مجنون مکتبی شیرازی* (چاپ اول). تهران: نشر چشمه.
- ذکاء، یحی. (۱۳٤٤). تاریخچه‌ی تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران. هنر و مردم، ۳۵، ۳۷-۳۲.
- رشادی. حجت‌اله. (۱۳۹۰). *سیر تحول تصویربافی در فرش ایران از دیرباز تا امروز. (پایان‌نامه‌ی ارشد)*. دانشکده‌ی هنر دانشگاه شاهد، ایران.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمدبن جلال‌الدین‌بن شرف‌الدین. (۱۳۷۵). *غیاث اللغات* (چاپ دوم). تهران: امیرکبیر.
- ژوله. تورج (۱۳۸۱)، *پژوهشی در فرش ایران*، چاپ اول.تهران: یساولی.
- ژوله، تورج. (۱۳۹٤). *گنجینه‌های نهان (نمایشگاهی از فرش‌های جبرائیل صفری)*. تهران: برگ نو.
- سعدی شیرازی. (۱۳۹۸). *کلیات غزلیات سعدی*. به تصحیح محمد علی فروغی. آسمانگون.
- شاه‌چراغ. سیده معصومه، علیرضا طاهری، فرنوش شمیلی و ناهید عبدی. (۱۳۹۹). تحلیل شمایل‌نگارانه‌ی قالیچه‌ی درون ترکیبی (شتر لیلی) راور. *دو فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی گلجام*، ۳۸، ۹۵-۷۷.
- عرفان‌منش. ساحل، زهرا امانی و حامد امانی. (۱٤۰۱). تحلیل آیکونولوژی تاج در قالیچه‌های محرابی دوره‌ی قاجار (مطالعه‌ی موردی قالیچه‌ی محرابی مظفرالدین شاه). *نشریه‌ی علمی باغ نظر*، ۱۹ (۱۱۳)، ۸٦-۷۷.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۵). *شاهنامه* (چاپ چهارم). تهران: نیک فرجام.
- فرهمند، شکیلا. (۱٤۰۰). فرش‌هایی نفیس با محتوی اشعاری درباره‌ی امام رضا (ع).
قابل دسترسی در آدرس: https:// kermancrafts.com/Content/Show/128/
- فهیمی‌فر، علی اصغر. (۱٤۰۳). مصاحبه‌ی شخصی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کشاورزافشار، مهدی. (۱۳۹۳)، تصویرگرایی در فرش ایران. (نگاهی بر طرح‌های تصویری میرزا سیدعلی مدرسی، طراح فرش. *چیدمان*، ۲(۵)، ۷.
- نظامی گنجوی. (۱۳۱۵). هفت پیکر حکیم *نظامی گنجوی*. با تصحیح یادگار و ارمغان وحید دستگردی. تهران: ارغوان
- نظامی گنجوی. (۱۳۱۳). خسرو شیرین. با تصحیح یادگار و ارمغان وحید دستگردی. تهران: ارغوان
- یساولی.جواد. (۱۳۷٤). *قالی‌ها و قالیچه‌های ایران* (چاپ سوم). تهران: فرهنگسرا.
- نمایشگاه ابوالفضل شاهی درگالری همای https://kashannews.net/

- A. C. Edwards.(1953), *The Persian Carpet. A Survey of the Carpet Weaving Industry in Persia*. London.
- Layla S. Diba. (2012). CARPETS x. *Afsharid and Zand Periods*. Encyclopædia Iranica, IV/8, pp. 875-877.
- Tokatlian.Armen. (2019). *Inscribed poetry in 16th century Safavid carpets*. academia.edu.
- https://hali.com/issues/winter-2016/ page:13.
- https://hali.com/issues/ summer-2016/ page:93/.
- https://smarthistory.org/the-ardabil-carpet/ by Dr. elizabeth Macaulay/ 17/9/1401.
- https://carpetir.ir/product.
- https:// beheshticarpet.com.
- https://ganjoor.net/shahnematollah/masnavish/sh28